

از سیره حضرت زهرا (س) چه چیزی را فراموش کردیم؟

زنان، بازوی فعال در کانون تحولات اجتماعی

فاطمه قربانی



صفحه ۲

در این شماره | می خوانیم ...



سخن سردبیر

جایگاه زن و گستره فعالیت های اجتماعی او همواره از مهم ترین مسائل اجتماعی در جوامع مختلف خاصه جوامع اسلامی بوده، در طول تاریخ همیشه عده ای بر طبل تساوی بی قید و شرط زن و مرد کوبیده اند و دیگر طرف، زن را در نقش مادر و همسر محصور کردند، اما رویکرد اسلام ناب چیست؟ اسلامی که مبنای نص قرآن و سیره معصومین است به ما چه میگوید؟ از سیره مبارزاتی و کنشگری فعال حضرت زهرا(س) تا حضرت زینب(س) از سمیه اولین شهیده اسلام تا واقعه گوهرشاد و کنشگری فعال زنان در وقوع انقلاب اسلامی همه و همه گواه بر این است که زنان از مهم ترین و اساسی ترین کنشگران هر تحول اجتماعی بوده اند به طوری که امامین انقلاب به وقوع پیوستن آن بدون زنان را غیر ممکن میدانند و فرا تر از این خداوند بلند مرتبه خلقت را منوط به یک زن میدانند همه این ها مهر تاییدی است بر ارزشی که اسلام برای زنان و کنشگری فعالانه آنان قائل است. در این شماره از حنیفا به شکل گسترده تری به این موضوع پرداخته ایم.

فمنیسم اسلامی فریب، توهم و پارادوکس

صفحه ۳

امروزه هر از چندگاهی مشاهده می کنیم که...

رسانه شناسی: یک دروغ بزرگ

صفحه ۳

در جوامع امروز از بی طرف بودن رسانه ها صحبت می شود اما...

اندیشه مطهر: زهرا ی مرضیه شهیده ی اولویت

صفحه ۴

ماجرای شهادت بانوی دو عالم حضرت زهرا (س) ...

تلالونور در رثای بانوی دو عالم

صفحه ۴

در زندگی کوتاه حضرت فاطمه رموزی نهفته است که..

از بام افتاده! در باب گم شدن هویت اصیل زن

صفحه ۵

آزادی، کلمه ای که این روزها به هر نحوی گوش ما را...

کلام رهبری: حضور اجتماعی زن در نگاه اسلام

صفحه ۵

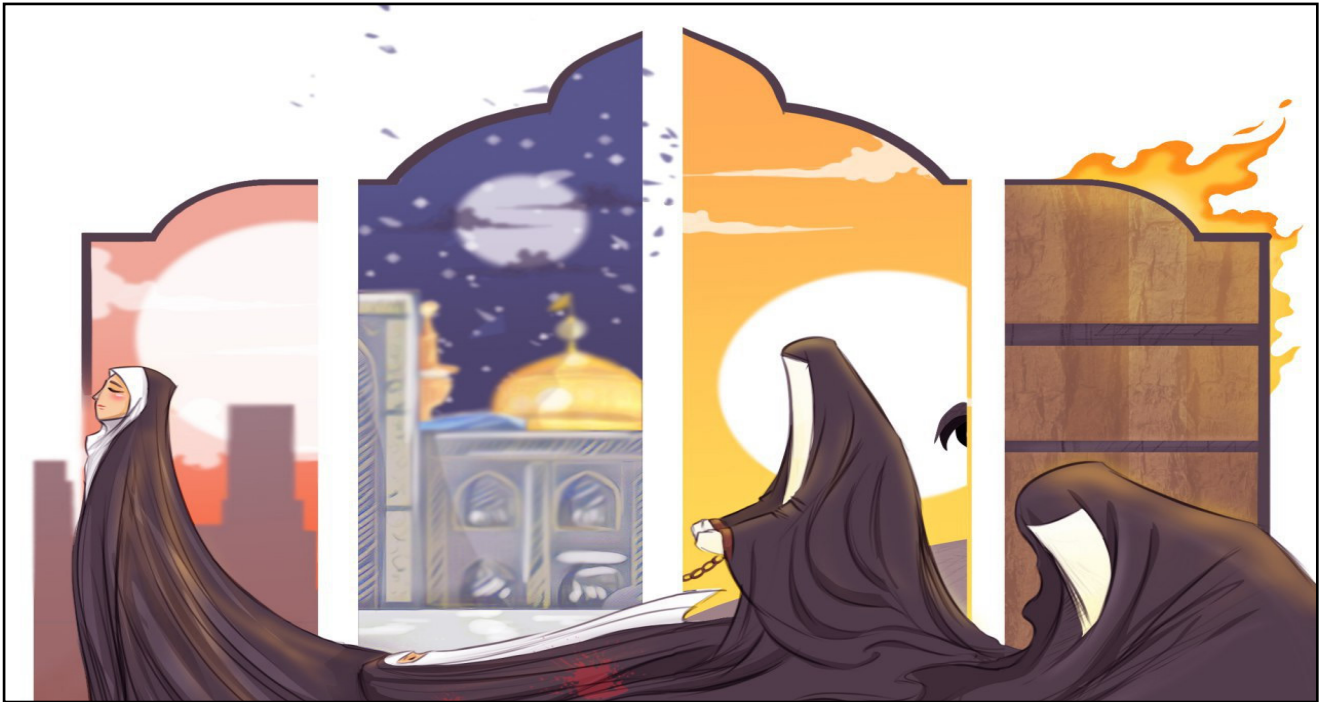
تربیت افرادی معتقد به استقلال؛ استقلال فکری...

از سیره حضرت زهرا (س) چه چیزی را فراموش کردیم؟

زنان، بازوی فعال در کانون تحولات اجتماعی

گستره ی پهناوری که اسلام ناب برای کنشگری زنان قائل است

فاطمه قربانی



تمام ابعاد گسترده وجودی ایشان تنها تاکید بر مادر بودن ایشان داشت و از باقی وجوهای غافل بود؟ مقصود این نیست که بگوییم مادر بودن صفت کم ارزشی است. بلکه هدف ابراز این نقد بر دستگاه تربیتی اسلامی جامعه ی امروز است که تنها و تنها این صفت را در اوصاف حضرت بیان می کنند و فکر میکنند که اتفاقاً مادری، بلندترین مقامی است که میتوان به زن داد! حضرت زهرا(س) به عنوان یک مادر، فرزندی چون زینب، حسن و حسین میپروراند که فرایند تاریخ سازیشان همچنان جاری است. به عنوان یک همسر، تکیه گاه و مامن آرامش در سختی ها و مصیبت های زمانه برای علی است و همچنین به عنوان یک زن متعالی مسئول اجتماعی و پشتیبان اسلام بعد از پیامبر است. اسلامی که در معرض خطر انحراف است و نفاق، در پستوی وطنش کمین کرده؛ کسی که تا آخرین لحظه ی حیات از مبارزه نایستاد و حتی بعد از مرگ نیز اندیشه ی صیانت از اسلام حقیقی را داشت که «ای علی، مرا پنهان دفن کن تا برگور من گرد نیایند و بر عزای من مراسمی بپا نکنند و بر من نماز نخوانند؛ مرا شب دفن کن، آن هنگام که چشم ها آرام گرفته و دیده ها به خواب فرو رفته باشند.» تا قدرتی که روی کار آمده، مجال توجیه دینی جایگاهش را نیابد، فاطمه زنی است که حتی چگونه دفن شدن خود را هم میخواهد وسیله ی مبارزه علیه باطل کند. فاطمه الگوی زن مسلمان است و زن مسلمان، اینگونه است.

ما حجت است.» یعنی ایشان حجت است برای حجج. حالا گذری بر تصورات خودمان داشته باشیم. آنچه در باور ما شیعیان درباره حضرت زهرا(س) شکل گرفته چیست؟ چه تصویری از ایشان در ذهن پیروان مذهب تشیع غالب است؟ محوریت شناخت شیعه از حضرت زهرا(س)، مادر بودن ایشان است. روضه ها و مداحی هایی که در ایام فاطمیه خوانده میشوند، مصداق روشنی از غلبه ی این تفکر است. کفایت به جنبه های مادرانه و تکیه بر وجه احساسی همسرانه این وجود مقدس، ما را از حضور ایشان در عرصه های سیاسی و اجتماعی غافل کرده؛ بله، تربیت فرزند مهم است و اصلاً مادر ریشه ی پرورش جامعه است اما اینطور نیست که این واژه توصیف اکمل این مقام والا باشد. اکتفا بر یک بُعد شخصیتی و یک جنبه ی فعالیت حضرت زهرا ایشان را در حوزه های دیگر منفعل نشان می دهد. گمان نکنید که این واژه می تواند ارادت و احترام ویژه ی شما را به فاطمه(س) ابراز کند. شما با تاکید صرف بر این واژه در حقیقت عظمت حضور این شخصیت تاریخی را به خانه تقلیل داده اید. بانویی که در حدیث قدسی در بیان جایگاه او آمده که «یا احمد لولاک لما خلقت الافلاک و لولا علی لما خلقتک و لولا فاطمه لما خلقتکما.» ای پیامبر اگر تو نبودی هستی را نمی آفریدم و اگر علی نبود تو را خلق نمی کردم و اگر فاطمه نبود شما دو نفر را خلق نمی کردم. آفرینش هستی منوط به فاطمه(س) است. حال چطور میتوان میان

تب تند تغافل و شعار زدگی در اجتماع مسلمانان فراگیر شده، مرضی عام که در سخن ها و کلمات ساکن شده و حتی گذری هم از میدان عمل ندارد. مردمانی پر مدعا که ادعایشان گوش جهان را هم اگر نه گوش خودشان را کر کرده و یارای شنیدنشان نیست. بسیاری از مسلمانانی که جسارت تغییر زندگی خود بر اساس ارزشها و اصول اسلامی را ندارند. توقف در مرحله ی حرف و عدم اهتمام به عرصه عمل شاید بزرگترین مشکل مسلمان امروز باشد. دینی که آمده تا بت شکن تابوهای رایج و نادرست اجتماع باشد و اصلاً از دل یک جامعه ی جاهل سربر آورد اما با گذشت قرن ها، هنوز پیروانش در برخی نحله ها می لنگند! به نام تعصب و غیرت، مقام والای زن و حقوق انسانی او را محدود می کنند، او را خانه نشین صرف و منفعل در عرصه اجتماعات می دانند حال آنکه اگر سفری کوتاه به تاریخ اسلام داشته باشیم، زن را در راس تحولات اجتماعی و سیاسی و فرهنگی می بینیم. فاطمه(س) را دوشادوش فرستاده خدا و پشتیبان اسلام در مبارزه با مغزهای زنگ زده ی شهری می بینیم که روزگاری محل نزول آیات قرآن بود. حال با چنین الگویی که تمثال شجاعت است و مظهر لطافت، چگونه می توان ارزش زن را آتھم در یک جامعه ی مسلمان، محدود کرد؟ زنی که خانه ی کوچکش از همه ی تاریخ بزرگتر است! رهبر جامعه او را ام آبیها می خوانند و امام حسن عسکری در وصف مقام او میگوید: «ما امامان بر مردم حجتیم و مادرمان فاطمه بر

یک دروغ بزرگ

در جوامع امروز از بی طرف بودن رسانه ها صحبت می شود اما این مباحثه ها در واقع هیچ جایگاه علمی ندارند بلکه تماماً برای جانب داری از موضوعی به وجود آمده اند. این باورهای غلط نسبت به بی طرفی رسانه ها به نوع نگاه و فهم افراد جامعه بستگی دارد. ملاک تشخیص حق و جانب داری از آن، پیچیده است اما رسانه ها قدری از حق را در پیام های شان منتقل می کنند، چون اگر خلاف این باشد مخاطب به جهت فطرت حق پذیر و دروغ ستیز خود از آن رسانه ها گریزان می شود اما عموماً تمییز و تشخیص حقیقت دشوار است، چراکه اکثر رسانه ها برای تولید یک پیام ابتدا به سیاست های شان رجوع می کنند بعد به سراغ حقیقت پیام میروند. اما اگر مخاطب سواد رسانه ای داشته باشد، حق و حقیقت پیام را دریافت می کند، در واقع باید دید که حق و جانب داری رسانه ها به کدام سمت کشیده شده است، میتوان گفت این جایگاه حق را مبانی اعتقادی ارزشی یک جامعه تعیین می کند؛ رسانه ها در جانب داری از حق نه باید از روش هایی استفاده کنند که هویت حق طلبی را سانسور کند، نه طوری متعصبانه باشد که مخاطب را فراری دهد اما قدرت برای حفظ و بازتولید خود دست به ساخت نظام حقیقت میزند که ابزار آنها رسانه ها هستند. گاهی این قدرت باطل را به نظام حقیقت تبدیل میکنند که این همان سیال کردن حق برای بیرون کشیدن از هر نوع تعریفی از آن است. جانب داری رسانه ها مکانیزم خاص خود را دارد. یک مسأله مفعول مانده، مکانیزم معنابخشی در رسانه ها است که جانب داری رسانه ها را رو می کند، آنها با استفاده از رخدادهای معنابخشی می پردازند. کیفیت مکانیزم معنابخشی به ما نشان می دهد یک رسانه تا چه حد موفق به جانب داری صحیح و غیر متعصبانه است. این معنابخشی در واقع گاهی رخدادهای از غبار هانجات می دهد و گاهی گرفتار رسانه های منفعت طلب شده و طمع رسانه ها برای جلب مخاطب یا منافع دیگر میشود.

فاطمه اسماعیلی

فمینیسم اسلامی

فریب، توهّم و پارادوکس

ریحانه فاطمی



فرودستی برای زنان ایجاد کرده است و نگاه مرد سالارانه ای براحکام و قوانین حاکم است. آن ها از همان مجاری دینی خواستار بازتعریف برخی قوانین و هنجارهای فرهنگی هستند هرچند اندیشه و راهکارهای آنان برخاسته از آموزه های دینی نیست.

این موضوع بهانه ای شده تا از آیات و احادیث تفسیر به رای کنند، مرضی که مانند خوره به جان بانوان می اندازند اما باید دانست در متون دینی این ظرفیت وجود دارد که بدون بهره گیری از فمینیسم غربی، از آن ها در دفاع از حقوق زنان استفاده کرد؛ فمینیسم اسلامی مانند شراب اسلامی است، شالوده فمینیسم سه مؤلفه دین ستیزی، مرد ستیزی و سنت ستیزی هستند، حال چگونه میتوان این دو عنوان اسلام به عنوان دین و فمینیسم را باهم جمع کرد و به عنوان یک گرایش عملی و نظری ارائه داد؟ وقتی لفظ مردسالاری و زن سالاری از اساس در دیدگاه اسلام رد شده باشد و ما را از این دوگانه سازی دور میسازد و به پیروی از آنچه حق است دعوت میکند نمیشود این دو لفظ را جمع زد و به عنوان پارادایم به بانوان قالب نمود، هرگاه نحوه تفکر ما از مبانی غربی خالی شده باشد آنگاه می توانیم دیدگاه های عمیق اسلامی را درک کنیم و جدا از عقده کشایی به کار ببریم هرکدام مان میتوانیم یک فمینیسم اسلامی کوچک باشیم، مسیر پیش رو پر خطر است و باریک.

امروزه هر از چندگاهی مشاهده می کنیم که جریان های جدیدی با اهداف متفاوت طراحی می شوند و با عناوین جذاب، شگرد های رسانه ای و اهداف خوش رنگ و لعاب به جوامع تزریق می شوند. یکی از این جریان های جدید مدعی دفاع از حقوق زنان، «فمینیسم اسلامی» است. آن چیزی که چندی است بانوان جوامع اسلامی از جمله کشور ما با آن مواجه شده است. عنوانی بس خطرناک، که به عنوان نخله ای از فمینیسم که چند سده ای هست توسعه بسیاری یافته و همواره مدعی بوده است که در جستجوی احقاق حقوق تضییع شده زنان مسلمان به کمک احیای سنت واقعی پیامبر(ص) و بازخوانی متون مقدس براساس برابری جنسیتی میان زن و مرد است. از منظر نظریه پردازان ایران به نوعی خاستگاه فمینیسم اسلامی شناخته میشود بدین ترتیب به یکی از مهمترین موضوعات در عرصه مطالعات جنسیت تبدیل شده؛ برهان اساسی فمینیسم اسلامی این است که قرآن بر اصل برابری تمام افراد بشر تأکید می کند اما خواسته یا ناخواسته از گفتمان های رایج، «فمینیسم غیر اسلامی» را به مباحث خود دخیل میکند. ترکیبی کاملاً پارادوکسیکال که مبانی آن با مبانی اسلام، همخوانی ندارد. با توجه به تعالیم اسلامی نقش و جایگاه مرد با زن تمایزهایی دارد و این تمایز به هیچ وجه شأن زن را پایین نمی آورد. این افراد معتقدند تدوین قوانین اجتماعی، از جمله روابط زن و مرد در عرصه های مختلف مبتنی بر قواعد اسلامی پس از انقلاب اسلامی، جایگاه



اندیشه مطهر

زهرای مرضیه شهیده‌ی اولویت

ماجرای شهادت بانوی دو عالم حضرت زهرا (س) از جنبه اولویت های اجتماعی واقعاً عجیب و فوق العاده است. شما در مجموع در نظر بگیرید: از يك طرف علی و زهرا زوجی هستند که نشان دادند از جنبه مادی، به دنیا بی اعتنا هستند گفت: «و ما اصنع فداک و غیر فداک؟ و النفس مظانها فی غداک». اصلاً فاطمه چه اعتنا [به فداک] دارد؟ و حقیقتاً هم به عنوان يك مایه زندگی این خاندان نشان دادند که به صرف فداک بی اعتنا هستند، از طرفی هم به جهت روایات نبی مکرم برای حضرت فاطمه این مطلب مسلم بود که دیگر از عمرشان چیزی باقی نمانده و آن وقت در شرایطی که هر انسانی دست از تعلقات دنیا میکشد ایشان پیگیر فداک میشوند. نکته مهم این بود که فداک به عنوان یک حق اجتماعی ربوده شده بود و اینکه حق را باید احیاء کرد. برای همان زهرای مرضیه آنقدر ارزش در حق اهل بیت (چه فداک چه خلافت چه...) دید که در مسجد مدینه با يك عده از زنان بنی هاشم در حضور خلیفه وقت حاضر میشود و خطبه‌ای به آن غرایب انشاء می‌کند و ظالم را میکوبد. چرا نترسید؟ آیا این برخلاف تربیت اسلامی بود؟ برای یک زن مثلاً سبک بود این کار؟ برای بانویی از خاندان نبی درخور نبود که بیاید در مسجد مدینه در حضور چند هزار نفر جمعیت دم از مال دنیا بزند و از حقش دفاع کند؟ نه، هیچ زشت نبود! اولویت اجتماعی، دفاع از حق بود! حقیقت این است که از مادرمان باید درس اولویت بندی گرفت...

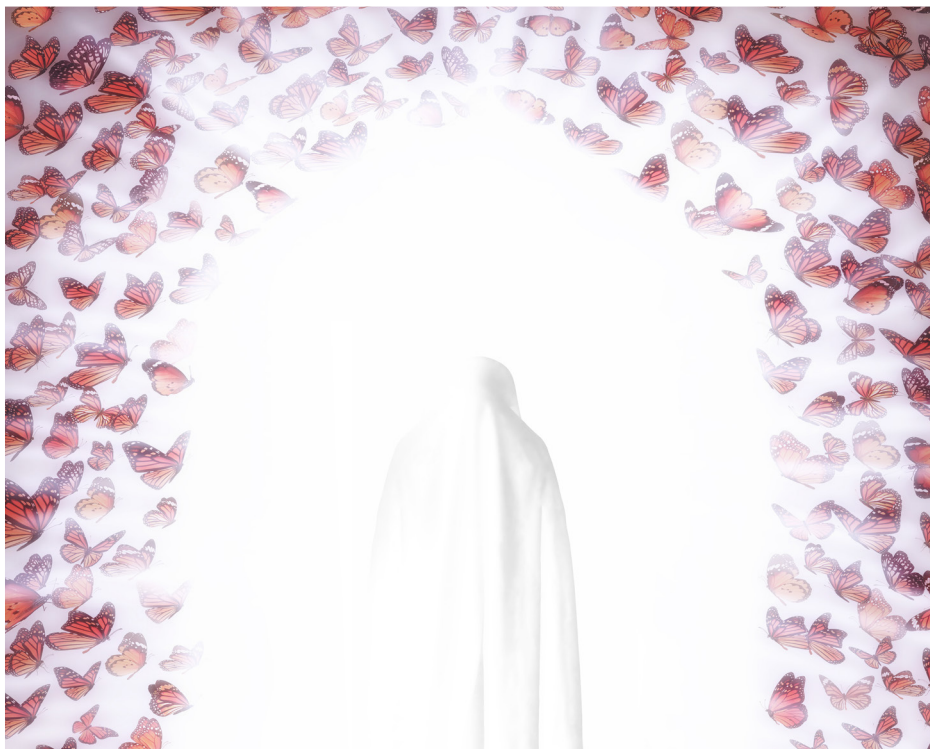
حنانه مولوی

تلاو نور

نازنین لاریجانی

جامعه اسلامی رقم می‌خورد جامعه‌ای که با الگو برداری از حضرت فاطمه باید در مواضع سیاسی خود جسارت داشته باشد و تا پای جان از مسیر الهی دفاع کند، نکته مهمی که میتوان در زندگی ایشان به آن توجه کرد این است که این بانوی جوان علاوه بر رفتار با شوهر و فرزندان و انجام وظایفش در خانه در زمان خود تبدیل به انسانی مجاهد و غیوری خستگی ناپذیر می‌شود، به طوریکه پس از رحلت پدر خود برای گرفتن حق با رقم زدن حادثه‌ای تاریخی به مسجد می‌رود و سخنرانی و موضع گیری و دفاع می‌کند و حرف می‌زند و یک شخصیت جهادگر به تمام معنا و خستگی ناپذیر شکل میدهد که با جسارت تمام در مقابل مردان با حفظ حیا و عفت خود از حق جانبداری میکند، خطبه فدکیه در ظاهر مواضع سیاسی حضرت فاطمه علیه نظام حاکم و سرزنش مصادره کنندگان فداک و خلافت را نشان میدهد اما در

در زندگی کوتاه حضرت فاطمه رموزی نهفته است که جریان کل تاریخ را تا ظهور آخرین فرزندش در بر می‌گیرد بخشی از این رموز به جریانات تاریخی و آغاز مقدمه‌ای برای جلوه‌گری ولایت مداری فرد مسلمان تالانو نور را می‌بخشد تا مسلمانان بعد از ایشان برجستگی انقلابی را از آن حضرت بیاموزند. الگوی زنی که اسلام می‌خواهد بسازد همین است و اوج قله معنویت در سیاست و شجاعت در سخنوری از این حضرت برآمده است، روح انقلابی‌گری روح غالب دینداری است که آن را میتوان در خطبه فدکیه حضرت فاطمه به چشم دید، در جامعه‌ای مرد سالار که زور و ظلم حرف اول را می‌زند، او در مقابل ابوبکر و گروهی از مجاهدان و انصار موعظه بی نقص خود را شروع کرد و شکوه اصل توحید را در خطبه‌اش با بینشی دقیق در پیچیده‌ترین مسائل خاطر نشان کرد و نشان داد که یک زن چگونه میتواند در برابر ظلم بایستد و بهتر



بطن آن، این خطبه بر ایجاد وحدت جامعه اسلامی و دوری از تفرقه و نفاق و پذیرش امامت و ولایت امام عصر خود را پدیدار کرده است، بسیار شنیده ایم که باید برای امام زمان خود مانند حضرت زهرا سلام الله علیها باشیم، اما آیا به این اندیشیده ایم مگر او برای امامش چه کرد؟

از هر کسی از حق دفاع کند، مرحله به مرحله حرکات این بانوی بزرگوار آغاز کننده صف کشی‌های جبهه حق علیه باطل است. در تمام تاریخ که آرام آرام سنگ‌های مسیر ظهور برداشته میشود به تدبیر و مدیریت حضرت زهرا انجام گرفته و خواهد گرفت، این بستر سازی برای حاکمیت الهی در جهان توسط این بانو بخش اعظمی از مسیر خود را طی کرده است و پایان این واقعه به دست



حضور اجتماعی زن در نگاه اسلام

[در عرصه‌ی فعالیتهای اجتماعی و سیاسی و علمی و فعالیت های گوناگون] زن مسلمان مثل مرد مسلمان حق دارد آنچه را که اقتضای زمان است، آن خلایق را که احساس میکند، آن وظیفه‌ای را که بر دوش خود حس میکند، انجام دهد. چنانچه دختری مثلاً مایل است پزشک شود، یا فعالیت اقتصادی کند، یا در رشته‌های علمی کار کند، یا در دانشگاه تدریس کند، یا در کارهای سیاسی وارد شود، یا روزنامه‌نگار شود، برای او میدانها باز است. به شرط رعایت عفت و عفاف و عدم اختلاط و امتزاج زن و مرد، در جامعه‌ی اسلامی میدان برای زن و مرد باز است. شاهد بر این معنا، همه‌ی آثار اسلامی است که در این زمینه‌ها وجود دارد و همه‌ی تکالیف اسلامی است که زن و مرد را به طور یکسان، از مسؤولیت اجتماعی برخوردار میکند. این که میفرماید: «من اصبح لا یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم»، مخصوص مردان نیست؛ زنان هم باید به امور مسلمانان و جامعه‌ی اسلامی و امور جهان اسلام و همه‌ی مسائلی که در دنیا میگذرد، احساس مسؤولیت کنند و اهتمام نمایند؛ چون وظیفه‌ی اسلامی است.

نقش زنان در انقلاب زیاد بوده است. پس از پیروزی انقلاب تا امروز هم واقعاً بانوان کشور در همه صحنه‌ها خیلی نقش داشتند و این حادثه خیلی بزرگ و شگفت‌آوری است. تصوّر من این است که بانوان در دوره پیش از انقلاب و در دوره آن رژیم، مورد ستم سیاسی و فرهنگی بودند؛ بیش از آنچه که در بعضی از خانواده‌ها ممکن بود مورد ستم قرار گیرند. به جای نقش آفرینی، آنها را به بیکارگی و به ابتذال سوق میدادند. انقلاب حقیقتاً میدانی باز کرد و خانم‌ها بیش از آقایان در این قضیه فعالیت و حماسه خلق کردند.

از بام افتاده!

در باب گم شدن هویت اصیل زن

فاطمه محمدی

که دختران را زنده به گور می‌کنند با ورود اسلام و مبارزه با این تفکر غلط، زن به اصل خویش بازگشت و جایگاه ارزشمند خویش را در اجتماع بازپس گرفت و به راحتی فعالیت خود را در تمامی زمینه‌ها شروع کرد. از جمله معروف‌ترین و مثال زدنی‌ترین بانوان در اسلام، بانوی گرانقدر، دخت نبی اکرم بود که با شروع فعالیت‌های خود در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نشان داد که زن هیچ محدودیتی از نگاه اسلام ندارد و حال در جامعه‌ای که هویت و مبنایش اسلامی است، در نظامی که الگویش زنی کامل همچو فاطمه زهرا (س) است، زنان و دختران ما در مواجهه با مفهوم آزادی چگونه عمل میکنند؟ و چطور باید عمل کنند؟

در حقیقت، مسئله جامعه امروز ما، چگونه فهمیدن فاطمه (س) به عنوان الگوی زن مسلمان است اما این مفهوم آزادی در دید زن امروز، چالش‌هایی به وجود آورده که حتی نگاه دینی را زیر سوال می‌برد، گویی که از بامی بلند، به زمینی پست سقوط میکنند. و این سرآغاز نزول مقام اوست.

آزادی، کلمه‌ای که این روزها به هر نحوی گوش ما را نوازش میدهد؛ به هرسواز جهان که برویم، در هر نقطه‌ی امن و ناامنی در هر سیاره‌ی هستی هم که برویم؛ به هر طریقی نظر ما را به خودش جلب می‌کند، آزادی مفهومی گرانسنگ، بلند بالا و از قدیم الایام پراوازه است که تاریخی دیرینه و دامنه‌ای وسیع و گسترده دارد، لازمه‌ی صحبت در باب آزادی، تعیین قلمرو آن است و اینبار ما با مفهوم آزادی در زمینه سرشت پاک و گرانبهای زن سروکار داریم و میخواهیم از مواجهه زنان با مفهوم آزادی در جامعه کنونی صحبت کنیم.

از گذشته‌های دور تا کنون مفاهیم آزادی و عدالت به صورت توأمان بیشتر از دیگر مفاهیم، مورد نظر انسان بوده، این دو کلمه در هم تنیدگی‌های بسیاری داشت. انسان ذاتاً نیازمند آزادی است و از گرفتار و در قفس بودن بیزار؛ با ورود به بحث اصلی تمامی معانی از کلمه آزادی را کنار گذاشته و به بررسی آزادی از دید بانوان میپردازیم.

با سیر در تاریخ، متوجه جایگاه اجتماعی پست زنان در جامعه میشویم. تا جایی



صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

نشریه دانشجویی حنیفا

سردبیر: متین شریفی

مدیر مسئول: امیر محمد اصغری

hanifamag.atu@gmail.Com

hanifamag_

hanifamag

۰۹۱۸۳۱۱۳۴۷۱